

یادداشت

حسن حیدری

متغیرهای موثر بر نوسانات اخیر بازار ارز

بازار ارز در روزهای اخیر بار دیگر تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل قرار گرفته که بخش مهمی از آنها نه در تغییرات بالفعل متغیرهای بنیادی، بلکه در برداشت و انتظارات فعالان اقتصادی از آینده ریشه دارد. در چند روز گذشته تغییر محسوس در بسیاری از متغیرهای بنیادی اقتصاد رخ نداده است، اما ریسک‌هایی که مردم و فعالان اقتصادی احساس می‌کنند، افزایش یافته و همین موضوع می‌تواند انتظارات تورمی را تغییر دهد.

بازارها معمولاً پیش از آنکه یک تغییر اقتصادی به‌طور کامل در آمارها ظاهر شود، به انتظار وقوع آن واکنش نشان می‌دهند. به همین دلیل، نباید نوسانات اخیر نرخ ارز را صرفاً با متغیرهایی که امروز در اقتصاد مشاهده می‌کنیم توضیح داد. احتمال مذاکره یا عدم مذاکره، تحولات سیاسی و امنیتی، بحث‌های مربوط به محاصره، جنگ و احتمال درگیری، همگی می‌توانند انتظارات را تغییر دهند و این تغییر انتظارات در بازار ارز خود را نشان دهد.

به نظر می‌رسد بخشی از افزایش اخیر نرخ ارز نیز تحت تأثیر کاهش احتمال شکل‌گیری یا موفقیت مذاکرات قرار گرفته است. البته این به معنای آن نیست که عوامل سیاسی تعیین‌کننده مسیر بلندمدت نرخ ارز هستند. روند بلندمدت نرخ ارز را متغیرهای بنیادی اقتصاد تعیین می‌کنند، اما اتفاقات سیاسی می‌توانند نوسانات قابل توجهی را حول این روند ایجاد کنند. با این حال، نمی‌توان اثر تحولات سیاسی را صرفاً به «انتظارات» محدود کرد. برخی تحولات سیاسی و امنیتی، در صورت تداوم، می‌توانند مستقیماً بر متغیرهای بنیادی نیز اثر بگذارند. برای نمونه، محدودیت در تجارت خارجی، اختلال در صادرات و واردات، کاهش درآمدهای نفتی یا محدود شدن ورود ارز به کشور، در نهایت می‌تواند عرضه ارز را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، یک ریسک سیاسی ممکن است ابتدا از مسیر انتظارات وارد بازار شود و در صورت تحقق، بعداً به یک متغیر بنیادی تبدیل شود.

بخشی از ریسک‌هایی که امروز بازار ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد، خارج از اختیار بانک مرکزی است، اما سیاست‌گذار پولی همچنان ابزارهایی برای مدیریت شرایط در اختیار دارد. یکی از این ابزارها نرخ سود است.

در شرایط فعلی، فاصله میان نرخ سود سپرده‌های بانکی و نرخ بازده برخی ابزارهای درآمد ثابت در بازار سرمایه قابل توجه است. این اختلاف می‌تواند رفتار صاحبان نقدینگی را تغییر دهد. وقتی سپرده‌گذار احساس کند نگهداری پول در بانک بازدهی پایین‌تری نسبت به سایر گزینه‌های مالی دارد، طبیعی است که درباره محل نگهداری منابع خود تجدیدنظر کند. افزایش نرخ سود البته بدون هزینه نیست و می‌تواند بر وضعیت بانک‌ها، ریسک نقدینگی و ریسک نرخ بهره آنها اثر بگذارد. اما افزایش نرخ ارز نیز برای شبکه بانکی و کل اقتصاد هزینه دارد. بنابراین سیاست‌گذار با انتخابی ساده‌مواجه نیست و باید هزینه و فایده هر دو مسیر را در نظر بگیرد.

مسئله مهم این است که وقتی بازده واقعی سپرده بانکی منفی باشد و در مقابل، دارایی‌هایی مانند ارز و طلا به‌عنوان ابزاری برای حفظ ارزش پول دیده شوند، بخشی از منابع می‌تواند از شبکه بانکی خارج و وارد بازارهای دارای شود. به همین دلیل، سیاست نرخ سود باید در ارتباط با تحولات بازار ارز، تورم و رفتار نقدینگی مورد توجه قرار گیرد.

در تحلیل بازار ارز باید میان تقاضای تجاری و تقاضای ناشی از حفظ ارزش پول تفکیک قائل شد. تقاضای تجاری وجود دارد و حجم آن نیز قابل توجه است. با افزایش قیمت‌ها، واردکنندگان برای تأمین همان میزان کالا به منابع بیشتری نیاز دارند و از سوی دیگر، اگر عرضه ارز کاهش پیدا کند، فشار بیشتری بر بازار وارد می‌شود.

بانک مرکزی مطرح کرد:

فالش بودن هارمونی نرخ ارز با متغیرهای بنیادی اقتصاد



بانک مرکزی در اطلاعیه‌ای عنوان کرد: با توجه به تحولات اخیر بازار ارز و افزایش نوسانات، ضمن رصد مستمر شرایط بازار و متغیرهای اقتصادی، نکات زیر را به اطلاع عموم می‌رساند:

شرایط کنونی بازار ارز برای بانک مرکزی ناشناخته نیست. در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ نیز اقتصاد کشور دوره‌هایی از تشدید نااطمینانی، فشارهای بیرونی و افزایش تقاضای احتیاطی را تجربه کرده است. در چنین شرایطی، حتی هنگامی که منشأ اولیه شوک‌های ایجادشده در حوزه‌های سیاسی، امنیتی یا اقتصادی و خارج از حوزه سیاست پولی قرار دارد، آثار آن می‌تواند در بازار ارز نمایان شود.

بررسی‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد که سطح کنونی نرخ ارز با متغیرهای بنیادی اقتصاد همخوانی کامل ندارد و بخش قابل توجهی از فاصله ایجادشده، متأثر از تشدید نااطمینانی، فشارهای روانی و انتظارات بازار است. تجربه دوره‌های گذشته نیز نشان داده است که با کاهش فشارهای انتظاری و بازگشت آرامش، این فاصله‌ها قابلیت تعدیل خواهند داشت. هدف بانک مرکزی دفاع از یک نرخ یا عدد مشخص نیست؛ بلکه مأموریت این بانک، حفظ ثبات پولی و ارزی

و جلوگیری از ماندگار شدن نوساناتی است که پشتوانه بنیادی ندارند.

در همین چارچوب، خرید و فروش ارز و طلا و مداخله در بازار با هدف مدیریت نوسانات، مطابق قانون جدید بانک مرکزی، از جمله وظایف و ابزارهای قانونی این بانک محسوب می‌شود. بانک مرکزی همچنین در زمان مناسب نسبت به تقویت ذخایر اقدام خواهد کرد تا در دوره‌های فشار، از ظرفیت کافی برای مدیریت بازار و انجام اقدامات مؤثر برخوردار باشد.

زمان، حجم و نحوه استفاده از ابزارهای مداخله‌ای بانک مرکزی بر اساس شرایط بازار، نیازهای اقتصاد و کفایت ذخایر تعیین خواهد شد. بانک مرکزی هر جا مداخله

قانونی را برای بازگرداندن بازار به مسیری سازگارتر با واقعیت‌های اقتصادی و حفظ ثبات ضروری بداند، بدون تردید از ابزارهای قانونی خود استفاده خواهد کرد.

بانک مرکزی ضمن استقبال از نقدها و دیدگاه‌های کارشناسی، تأکید می‌کند که تصمیمات و اقدامات این نهاد بر مبنای ارزیابی‌های حرفه‌ای، داده‌های اقتصادی و در نظر گرفتن منافع اقتصاد کشور اتخاذ می‌شود.

بانک مرکزی به‌طور مستمر تحولات بازار ارز را رصد کرده و در صورت ضرورت، اقدامات لازم را برای صیانت از ثبات پولی و ارزی، مدیریت نوسانات و جلوگیری از شکل‌گیری روندهای غیربنیادی در بازار به عمل خواهد آورد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی:

نظام مالیاتی باید همزمان درآمد و تولید را تقویت کند

وزیر امور اقتصادی و دارایی با تأکید بر ضرورت تأمین منابع مالی دولت، توجه به وضعیت تولید، کسب‌وکارها و فعالان اقتصادی را از الزامات نظام مالیاتی دانست.

تولید، کسب‌وکارها و فعالان اقتصادی بازمی‌گردد.

به گفته مدنی‌زاده، سازمان امور مالیاتی در نقطه‌ای قرار گرفته است که از یک سو باید منابع مالی دولت را تأمین و مالیات وصول کند و از سوی دیگر با شرایط دشوار اقتصادی بسیاری از کسب‌وکارها مواجه است. همین دو گانه کار سازمان را دشوارتر می‌کند.

وی با اشاره به اینکه بسیاری از مدیران و کارکنان مالیاتی در استان‌ها ارتباط مستقیم با مردم و فعالان اقتصادی دارند و نوع رفتار آنها اهمیت زیادی دارد، از مدیران مالیاتی خواست در مواجهه با فعالان اقتصادی، شرایط واقعی آنها را نیز در نظر بگیرند و در مواردی که یک فعال اقتصادی واقعاً با مشکل مواجه شده است، موضوع را در چارچوب اختیارات قانونی پیگیری کنند.

وزیر اقتصاد در ادامه با اشاره به اینکه اگر قرار باشد کشور بدون اتکا به درآمدهای نفتی و بر اساس درآمدهای مالیاتی اداره شود، اظهار کرد: افزایش درآمدهای مالیاتی متناسب با نیازها و هزینه‌های کشور اجتناب‌ناپذیر است. البته این افزایش در آمد نباید فقط از طریق افزایش فشار بر مؤدیانی که حالا مالیات می‌پردازند دنبال شود.

مدنی‌زاده بهبود سیستم مالیاتی، هوشمندسازی نظام مالیاتی، اصلاح قوانین و مقررات، کاهش معافیت‌ها و اصلاح سایر اجزای نظام مالیاتی را مسیر تحقق این هدف دانست و افزود: تحول نظام مالیاتی در وزارت اقتصاد تعریف شده و پس از تکمیل این فرایند، سازمان امور مالیاتی با ساختار بازطراحی شده فعالیت خواهد کرد.

وی کارکنان نظام اقتصادی دولت را در شرایط جنگ اقتصادی در خط مقدم توصیف کرد، تعبیری که در مورد سازمان امور مالیاتی بیش از هر چیز به نقش آن در تأمین

سید علی مدنی‌زاده در اجلاس مدیران مالیاتی سراسر کشور با تأکید بر هر دو مأموریت سازمان اظهار کرد: مسیر افزایش درآمدهای مالیاتی باید همزمان با تحول نظام مالیاتی، هوشمندسازی و توجه به شرایط مؤدیان دنبال شود. وی با اشاره به اینکه حضورش در این اجلاس برای او اهمیت ویژه‌ای داشته است، از رئیس کل سازمان امور مالیاتی، معاونان، مدیران و کارکنان این مجموعه تشکر کرد و عملکرد سازمان در شرایط جنگی را افتخارآمیز توصیف کرد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی تصریح کرد: کارکنان سازمان در شرایطی که اداره اقتصاد کشور با دشواری‌های بیشتری همراه شده و وظیفه خود را بر اساس برنامه‌های تعیین‌شده دنبال کرده‌اند و این تلاش شایسته تقدیر است و امیدواریم این مسیر در ماه‌های آینده نیز ادامه پیدا کند.

مدنی‌زاده با اشاره به شرایط جنگ اقتصادی بیان کرد: حتی با پایان یافتن جنگ و رفع تحریم‌ها، آثار اقتصادی آن ممکن است برای مدتی ادامه داشته باشد. کارکنان نظام اقتصادی دولت در این شرایط در خط مقدم ایستاده‌اند؛ سازمان امور مالیاتی نیز یکی از مجموعه‌هایی است که نقش مستقیمی در تأمین منابع مالی دولت و پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی دارد.

وی تأکید کرد: در شرایط فعلی چاره‌ای جز تأمین منابع لازم برای اداره کشور وجود ندارد و انتظار می‌رود سازمان امور مالیاتی برای تحقق اهداف درآمدی همراهی بیشتری داشته باشد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی ادامه داد: تأمین منابع تنها یک سوی مسئله است و به همان اندازه باید به تاب‌آوری مردم توجه داشت؛ تاب‌آوری که بخش مهمی از آن به وضعیت